

عنوان مقاله:

فارابی و نقش تخیل در تحصیل سعادت

محل انتشار:

دوفصلنامه حکمت معاصر، دوره 12، شماره 2 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

نویسندگان:

علی سیاح - دانشجوی دکتری فلسفه ی هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (نویسنده ی مسئول)،

شمس الملوک مصطفوی - دانشیار فلسفه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

رضا داوری اردکانی - استاد فلسفه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات،

خلاصه مقاله:

فارابی سعادت را برترین خیری می داند که انسان به سوی آن در حرکت است. انسان که موجودی بالطبع مدنی است تنها از طریق حضور در مدینه ی فاضله است که می تواند به کمال و سعادت دست یابد. راه رسیدن به سعادت عبارت است از تعقل نظری، اندیشیدن به معقولات و فلسفه ورزی که البته در اختیار و انحصار خواص است. فارابی در این جا از نیروی خیال بهره می گیرد تا راه تمامی انسان ها را به تحصیل سعادت هموار کند. تخیل قوه ای از نفس است که به حفظ صورت محسوسات، دخل و تصرف در آن ها و محاکات امور محسوس و معقول می پردازد. این کارکرد آخر ابداع فارابی است و در فلاسفه ی پیش از او به ویژه افلاطون و ارسطو دیده نمی شود، چرا که افلاطون پست ترین جایگاه را به خیال نسبت می دهد و ارسطو محاکات امور معقول را جزو وظایف آن نمی شمارد. نشان خواهیم داد تخیل نقش پررنگ دیگری نیز در فلسفه ی فارابی بر عهده دارد. این قوه در مرکز نظریه ی نبوت فارابی قرار گرفته است. متخیله ی نبی در کمال توانایی است و معقولات از عقل فعال به آن افاضه می شود؛ یعنی محمل وحی است. همچنین نیل به سعادت انسان ها نیز مستلزم تخیل است. خواص و در زمره ی آنان هنرمندان می توانند معقولات به متخیله ی جمهور مردم بیافکنند و از آن جا که این قوه توان محاکات معقولات را دارد، واسطه ای است در مسیر دستیابی به سعادت. نهایتاً مشخص خواهد شد، هنرمندان که در انجام این مهم از شیوه های اقلی بهره می برند، در مدینه ی فاضله از جایگاهی والا برخوردارند.

کلمات کلیدی:

فارابی، تخیل، سعادت، مدینه ی فاضله، هنر، جایگاه هنرمند

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1420213>

